

# حقوق معلم و انگیزه شغلی

هر چند يك معلم عاشق باشد و هر قدر هم او قانع باشد اما برخورداري از حداقلها لازمه يك زندگي معمولي است تا بدون نگراني يك فرد به حرفه خود بپردازد.

كسي كه وارد يك شغلي ميشود صرف نظر از استعداد و علاقه به اين موضوع هم ميانديشد كه چقدر مزايای اين شغل تامين كننده معيشت او خواهد بود. بي‌ترديد هر كس وارد آموزش و پرورش شده توقع مادي چندانى از اين دستگاه ندارد اما انتظار اينكه از حقوق و مزايای برخوردار باشد كه نيازهاي اصلي او را پاسخ دهد يك انتظار بحق و طبيعي است.

اگر تحقيقي انجام شود بي‌شك ارتباط انگيزه شغلي معلمان با حقوق آنها به اثبات ميرسد، به اين معنا كه يكي از مهم‌ترين دلایل کاهش انگيزه كاري در معلمان پايين بودن سطح حقوق و مزايای اين شغل است؛ نکته‌اي كه در بقيه مشاغل هم مصداق پيدا ميكند.

هر چند در ساير شاخه‌هاي شغلي نيز ميتوان اين ارزيابي را انجام داد يعني ميتوان ارتباط انگيزه شغلي با منزلت اجتماعي، محيط كاري، علاقه، استعداد و متغيرهايي از اين دست را سنجيد اما آنچه بديهي است ارتباط روشن و شفاف حقوق و مزايای معلمي با انگيزه معلمان است.

هر سال كه مي‌گذرد به دليل فشارهاي اقتصادي و تنگناهاي معيشتي معلمان بي‌انگيزه‌تر ميشوند و نسل جوان‌تر كه برايشان معيشت اولويت بيشتري دارد بي‌انگيزه‌تر از نسل قبل هستند و از طرفي تغييرات زندگي ساير اقشار و بالا رفتن سطح رفاه بقيه مردم بر کاهش ميزان اين انگيزه تاثير زيادي گذاشته است. بحران انگيزه، تهديد بزرگي براي نظام آموزشي ما است و نه تنها پايين بودن سطح مزايای شغل معلمي مانع جذب نيروهاي كيفي ميشود بلكه روزه‌روز انگيزه نيروهاي شاغل را هم کاهش مي‌دهد و در چنين شرايطي با استعدادترين و علاقه‌مندترين معلمان هم دوام نخواهند آورد.

عدم برخورداري از شرايط ارتقا در سيستم آموزش و پرورش موجب شده معلمانى كه تمايل به ادامه تحصيل و ارتقاي كيفيت كاري دارند نيز انگيزه‌اي براي فعاليت نداشته باشند، چرا كه مي‌بينند با بالا رفتن مدرک تحصيلي يا فعاليتهاي كيفي در كلاس درس چندان بر مزايای حقوقي آنها افزوده نخواهد شد.

بنابراين به نظر ميرسد دولت و مجلس بايد با تدوين لايحه يا طرحي جامع براي معيشت معلم، چاره‌اي براي افزايش انگيزه شغلي آنها

بينديشند .  
\* مسئول صفحه مدرسه اعتماد

شهيندخت ميان‌دشتي